

### مهرداد طباطبایی<sup>۱</sup>

پس از گذشت بیش از یک دهه از بحران قره‌باغ، اختلافات جمهوری آذربایجان و ارمنستان همچنان باقی است. مناقشه قره‌باغ آثار بسیار مهمی بر کمیت و کیفیت همکاری‌های سیاسی و اقتصادی در منطقه قفقاز بجای گذاشته این امر بر موضعگیری قدرتهای فرامنطقه‌ای در قبال دوطرف منازعه نیز تأثیر مستقیم داشته است. از نگاه آمریکا، حفظ نفوذ این کشور در عرصه اقتصادی آذربایجان مهمترین اولویت می‌باشد. روسیه نیز شایق است مدیریت حل بحران قره‌باغ را به‌عهده داشته همچنان از توان و قابلیت مخالفت با هرگونه توافقی بدون مشارکت این کشور در حوزه قفقاز برخوردار باشد. این مقاله به نوع و دایره تأثیرات حل بحران قره‌باغ در منطقه قفقاز جنوبی از طرف گروه مینسک پرداخته دامنه ملاحظات و نگرانی‌های طرفین بحران یعنی جمهوری آذربایجان و ارمنستان را بررسی می‌نماید.

در اواخر اردیبهشت سال ۱۳۸۲، کشورهای آذربایجان و ارمنستان در انتظار انجام سفر دوره‌ای رؤسای مشترک گروه مینسک به منطقه قفقاز جنوبی بودند و رئیس روسی این گروه در مصاحبه‌ای ضمن اعلام خبر انجام این سفر اضافه نمود که «رؤسای مشترک در این سفر، برنامه پیشنهادی جدیدی را برای حل مناقشه به طرفین درگیر ارائه خواهند نمود و امید دارند که این برنامه با توجه به ملاحظاتی که در آن به عمل آمده مورد توافق کوچاریان و علی اف قرار گیرد».<sup>(۱)</sup> این در حالی بود که وارطان اسکانیان وزیر امور خارجه ارمنستان در آستانه انجام این سفر در اظهاراتی پیشگیرانه اعلام نمود: «ارمنستان هنوز پیشنهاد جدیدی از گروه مینسک دریافت ننموده است ولی در عین حال امیدوار است که برنامه پیشنهادی جدید مبتنی بر اصول پارسی تنظیم شده باشد».<sup>(۲)</sup> طرف آذری نیز برای عقب نماندن از واکنش متقابل نسبت به

طرف ارمنی اعلام نمود «باکو طرحی را بر مبنای پیشنهادات قبلی قبول نخواهد نمود»<sup>(۳)</sup> هنوز دامنه این واکنش‌ها و اعلامیه‌های متقابل فروکش نکرده بود که برنامه سفر رؤسای مشترک گروه مینسک به کشورهای ارمنستان و آذربایجان با طرح موضوع بیماری علی اف به تعویق افتاد. هرچند برنامه سفر به این دو کشور برای فاصله زمانی ۳۱-۲۸ اردیبهشت ماه تدارک دیده شده بود اما وزیر امور خارجه آذربایجان طی اظهاراتی ضمن تأکید بر موضوع بیماری علی اف به عنوان دلیل اصلی تعویق این سفر اضافه نمود «که تاریخ دقیقی برای این سفر در نظر گرفته نشده بود»<sup>(۴)</sup> هرچند این سفر در تاریخ اعلام شده صورت نپذیرفت اما رؤسای مشترک گروه مینسک امیدوار بودند در جریان این سفر رؤسای دو کشور ارمنستان و آذربایجان ضمن آشنایی با پیشنهادات جدید در خصوص حل بحران قره‌باغ، این پیشنهادات را مورد پذیرش قرار دهند و روند حل مناقشه، عملاً یک گام دیگر به اهداف مورد نظر این گروه نزدیک شود. با تعویق این سفر، که به دلایل گوناگون از جمله بیماری علی اف و همچنین انجام انتخابات در آذربایجان صورت می‌پذیرد، روند حل مناقشه مجدداً دوران جدیدی از انجماد - از نظر پیشرفت سیاسی مثبت - را تجربه خواهد نمود.

هرچند تا انجام سفر بعدی گروه مینسک به منطقه، احتمالاً رؤسای جمهور آذربایجان و ارمنستان و یا حداقل نمایندگان ویژه آنها ملاقات‌هایی را با هم انجام خواهند داد اما به نظر می‌رسد انجام این ملاقات‌ها نیز منجر به بروز تغییراتی مثبت در روند حل مناقشه نخواهد گردید و بحران قره‌باغ از نظر مدیریتی دست به دست خواهد گردید. در این نوشتار تلاش خواهد شد با توجه به ملاحظات موجود در خصوص برنامه سفر رؤسای مشترک گروه مینسک به منطقه، انتظارات و مابه‌ازاهای موجود از این بحران در کشورهای آذربایجان و ارمنستان به عنوان طرفین اصلی درگیری، ملاحظات و انتظارات ترکیه به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای و کشورهای آمریکا و روسیه به عنوان تأثیرگذاران عمده جهانی، و تأثیرگذار بر روند حل مناقشه، مورد بررسی قرار گیرد.

## طرح موضوع

بحران قره‌باغ دهه اول حیات خود را پشت سر گذاشته است و در این مدت تأثیرات فراوان و قابل توجهی بر روند همکاری‌های سیاسی و اقتصادی در منطقه قفقاز برجای گذارده به گونه‌ای که بسیاری از طرح‌های اقتصادی و امنیتی در این منطقه، به دلیل امتداد چندساله این بحران در حاشیه قرار گرفته است و به رغم تلاش‌های بسیار بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، کماکان سرنوشت این بحران - حتی در شرایط جدید - در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. با در نظر گرفتن این مفروضات که:

- بحران قره‌باغ می‌تواند در صورت ادامه وضعیت کنونی (نه جنگ و نه صلح)، فضای تأثیرگذاری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی و قره‌باغ را کماکان حفظ نماید؛  
- روسیه و آمریکا - هرچند در جهات و با اهداف متفاوت - اما هر کدام سعی می‌کنند سرنوشت حل احتمالی بحران را به نفع و به اسم خود تمام کنند.

- طرح‌هایی که تاکنون برای حل بحران قره‌باغ ارائه گردیده‌اند همگی به نوعی باعث ایجاد تغییرات جغرافیایی، جمعیتی و سرزمینی خواهند گردید؛

- و در آخر این که آمریکا به دنبال وقایع ۱۱ سپتامبر و سپس یکه‌تازی در خصوص بحران عراق اکنون به دنبال توسعه اهداف خود در قفقاز می‌باشد.

این مهم - حداقل در بخش‌های اقتصادی - تا حدود زیادی به حل بحران قره‌باغ منوط می‌باشد.

به این سؤال اصلی پاسخ داده می‌شود که:

حل بحران قره‌باغ به شکل مورد نظر گروه مینسک، (با تأکید بر مدیریت روسی - آمریکایی) در دوره و شرایط جدید چه تأثیراتی در منطقه قفقاز جنوبی برجای خواهد گذاشت؟  
برای پاسخ به این سؤال ناگزیر به پاسخ به سؤالات فرعی فراوانی خواهیم بود. مهمترین

این سؤالات عبارتند از:

۱. در دوره جدید، آمریکا چه اهدافی را از حل بحران قره‌باغ دنبال می‌کند؟
۲. در شرایط کنونی دیدگاه روسیه در خصوص بحران قره‌باغ و نحوه حل آن چیست؟
۳. تأثیرگذاری گروه مینسک برای حل بحران قره‌باغ به چه میزان خواهد بود و چه کشورهایی در این گروه از نفوذ و تأثیرگذاری عملی برخوردار می‌باشند؟

### شرایط عمومی منطقه

۱. آذربایجان: باکو کماکان نگران وضعیت جسمانی علی اف و مبهم بودن موضوع جانشینی وی می‌باشد.

آذربایجان، انتخابات ریاست جمهوری را در پیش روی دارد و این موضوع می‌تواند برای آینده علی اف (در صورت بهبود وضعیت جسمانی و ادامه حیات) حکم بقاء یا حذف کامل از عرصه سیاسی را داشته باشد.

علی اف کماکان مایل است موضوع قره‌باغ - صرفنظر از روند حل آن - به عنوان یک پارامتر مثبت در حیات سیاسی وی ایفای نقش نماید.

۲. ارمنستان انتخابات ریاست جمهوری را پشت سر گذاشته است. این کشور کماکان موضوع تکمیل متقابل را به عنوان یک محور اساسی در سیاست خارجی خود در دستور کار دارد. مقامات ارمنستان بر این باورند که «پیاده نمودن اصل تکمیل متقابل تأمین کننده امنیت و سیاست خارجی ارمنستان می‌باشد»<sup>(۵)</sup> و از طریق اعمال این دیدگاه و سیاست روابط خود را با کشورهای اروپایی، آمریکا، روسیه و ایران تدوین و دنبال می‌نماید.

ارامنه این موضوع را به صراحت اعلام نموده‌اند که «سیاست اروپایی عامل مهمی برای ثبات ماست زیرا توانایی ما را افزایش می‌دهد. جهت‌گیری امنیتی ما همکاری نظامی با روسیه، توسعه جهت‌گیری اروپایی و همچنین گام برداشتن به سوی تعمیق روابط نظامی با آمریکا است».<sup>(۶)</sup>

برای ارمنستان در حال حاضر تضمین‌های امنیتی و مزایای اقتصادی، مهمترین اولویت‌ها و مابه‌ازاهای حل بحران قره باغ خواهند بود.

۳. روسیه هرچند عقب‌نشینی آشکاری را در مقابل آمریکا آغاز و دنبال می‌نماید اما این کشور هنوز هم در شرایطی قرار دارد که بتواند موضوع را از طریق «معامله» با بازیگران بزرگ خارج از منطقه دنبال نماید. هرچند وضعیت روسیه در منطقه قفقاز نسبت به سابق دچار افت و نزول کمی و کیفی قابل ملاحظه‌ای شده است، «اما روسیه هنوز هم از ابزارهای حقوقی و حقیقی مناسب برای تأثیرگذاری بر اقدامات سازمان یافته منطقه‌ای و هدایت شده فرامنطقه‌ای (در قفقاز) برخوردار می‌باشد».<sup>(۷)</sup>

۴. آمریکا به دنبال توفیقی که در دست‌اندازی به عراق آن هم بدون همراهی کشورهای بزرگ اروپایی و روسیه و در عین بی‌توجهی به سازمان ملل به دست آورده است، اکنون مایل است به اهداف کلان خود در سایر مناطق از جمله قفقاز نیز جامه عمل بپوشاند. برای آمریکا حل بحران قره‌باغ نه تنها به دلیل تأثیرات این منطقه در رفتار خارجی و برنامه‌های اقتصادی این کشور در قفقاز، بلکه به جهت جانداختن موضوع نظام تک‌قطبی و تک‌محوری این کشور و نهادینه نمودن سیادت این کشور در مناطق حیاتی جهان مهم می‌باشد.

۵. ترکیه با توجه به انتخاباتی که در این کشور صورت گرفته است، نوع جدیدی از مدنیت اسلامی را تجربه می‌نماید. این کشور در حال حاضر با چالش‌های جدی و تازه‌ای روبرو گردیده است که بخش اعظم آن مربوط به وقایع عراق و برخورد این کشور با آمریکا در این خصوص می‌باشد. هرچند برخی از مقامات ترکیه نسبت به ایجاد مجدد رابطه با ارمنستان بر مواضع قبلی تأکید نموده‌اند<sup>(۸)</sup> اما به نظر می‌رسد برای ترکیه راه یافتن به بازارهای این منطقه آن هم از طریق ارمنستان واریانت قابل توجهی باشد که بیشتر از این صرف هزینه در جهت مخالف در این زمینه معنا نداشته باشد. بر همین اساس برخی از مقامات ترکیه تأکید می‌نمایند که «حل موضوع قره‌باغ از طریق نظامی غیرواقع‌بینانه است و آذربایجان در شرایط جدید باید موضوع امتیازدهی

به ارمنستان را مورد بررسی قرار دهد»<sup>(۹)</sup> شاید بتوان گفت ترکیه بیشتر مایل به حل موضوع به دلیل تبعات مثبت احتمالی باشد و انگیزه‌های پان ترکیستی تا حدودی به حاشیه رانده شده باشند.

۶. گرجستان در این خصوص (روند حل مناقشه) خنثی‌ترین واحد سیاسی است و این کشور در رفتارهای سیاسی خود به ویژه در ابعاد منطقه‌ای حرکت به سمت غرب را شتاب بیشتری بخشیده است.

## ملاحظات و نگرانی‌های طرفین مؤثر در بحران آذربایجان

علی‌اف به رغم تمامی اقداماتی که به عمل آورد نتوانست آنگونه که انتظار داشت نظر طرفهای حاضر در گروه مینسک را به خود جلب نماید و عملاً با توجه به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ارمنستان، ناگزیر به موافقت با ادامه روند حل و فصل بحران بعد از انتخابات گردید، به همین دلیل باکو در حال حاضر با مسایل و چالش‌های متفاوتی روبرو می‌باشد:

۱. بیماری شدید علی‌اف و طرح موضوع جانشینی وی یکی از مهمترین نگرانی‌های آذربایجان در مقطع کنونی می‌باشد. این موضوع از آن جهت مهم ارزیابی می‌شود که در دوره‌های خاص که مذاکرات در حالتی نرمال اما به نفع آرامنه (براساس اصول پارسی) در جریان بود، «رؤسای مشترک به دلیل شدت یافتن بیماری علی‌اف و نگرانی از این موضوع که هر نوع اتفاقی می‌تواند ضمن برهم زدن توافقات حاصله و تحت‌الشعاع قرار دادن مذاکرات، آینده سیاسی آذربایجان را دچار تغییرات اساسی نماید و تبعات منفی آن متوجه گروه مینسک گردد، از ادامه مذاکرات خودداری نمودند».<sup>(۱۰)</sup>

۲. از سوی دیگر آذربایجان در مقطع زمانی بعد از واقعه یازده سپتامبر تاکنون به صورت کاملاً آشکار و حساب شده‌ای در راستای سیاستهای اعلام شده آمریکا حرکت نموده است و هم

اکنون نمی‌تواند به نوع فعالیت‌های گروه مینسک که به صورت ملموسی مدیریت آن «روسی» می‌باشد خوشبین و امیدوار باشد. در حقیقت «بازی‌های دوگانه روسیه» یکی دیگر از موانع و چالش‌های پیش روی آذربایجان در دوره جدید می‌باشد.

۳. آذربایجان به صورت مکرر نتایج مذاکرات با طرف ارمنی و توافقات برخی نهادها مانند شورای اروپایی و همچنین مواضع گروه مینسک را مردود دانسته و یا حداقل آن را غیرقابل اجرا دانسته است، این در حالی است که این کشور راهکار و دستور کار جایگزین و قابل اجرایی را نیز ارائه ننموده است و از این نظر «آذربایجان - حداقل از نظر طرف‌های اروپایی - عامل عدم تحقق یافتن نتایج مذاکرات مورد اشاره قرار گرفته است»<sup>(۱۱)</sup> همچنین آذربایجان با این معضل روبرو می‌باشد که در مقابل ارمنستان که به صراحت بر اصول پاریس وکی‌وست تأکید می‌نماید، نمی‌تواند موضع مشخصی را اتخاذ نماید و بر مواردی تأکید می‌کند که خودبخود به عنوان یک عامل بازدارنده و «جمع‌اضداد» تأثیرگذاری منفی خود را به نمایش می‌گذارد.

۴. آذربایجان به عنوان یک دولت و واحد سیاسی همواره متأثر از اقدامات ارامنه آمریکا و لابی ارامنه در این کشور بوده است. هرچند در این بین نوع نگاه و تفکر حاکم در آمریکا نسبت به یک کشور مسلمان با زیربنا و قابلیت‌های اجتماعی و سیاسی «شیعه» مهم و تأثیرگذار بوده است اما نقش ارامنه آمریکا در ایجاد اخلال در روند مناسبات آمریکا و آذربایجان به‌ویژه در زمینه دریافت کمک‌های اقتصادی غیرقابل انکار می‌باشد. فقدان برخورداری آذربایجان از یک لابی قوی و تأثیرگذار در آمریکا در کنار لابی ارمنی که می‌تواند نسبت به قره‌باغ مواضع رادیکالی اتخاذ نماید (در مقایسه با ارامنه ساکن در ارمنستان) از دیگر نگرانی‌ها و ملاحظات آذربایجان می‌باشد.

۵. موضوع بعدی انجام انتخابات در آذربایجان است، روند حل مناقشه مربوطه به دلیل برگزاری انتخابات در ارمنستان - البته با نظر و توافق نانوشته طرفین - به تعویق افتاد، و «به‌نظر می‌رسد این وضعیت در شرایط کنونی تا انجام انتخابات ریاست جمهوری در آذربایجان نیز ادامه

یابد.<sup>(۱۲)</sup> هرچند آذربایجان مایل بود بتواند از این موقعیت بهره‌برداری لازم را نموده و ارمنستان را وادار به اتخاذ موضعی غیرقابل قبول و یا مغایر با توافقات حاصله نماید تا در اثر تحریکات داخلی و واخوردگی مردم ارمنستان به نتیجه دلخواه دست یابد اما توفیقی در این راه به دست نیاورد و حاکمیت ارمنستان با کنار گذاشتن موضوع قره‌باغ از دستور کار انتخابات توانست حاشیه امنی برای خود تعریف و تا زمان برگزاری مجدد مذاکرات، موضوع قره‌باغ را از نظر تأثیرگذاری سیاسی به فراموشی سپارد. در مقابل، در آذربایجان وضعیت برای علی اف و هیأت حاکمه متفاوت خواهد بود. علی اف در تلاش بوده و هست تا از طریق دستیابی به کامیابی در مذاکرات مربوط به قره‌باغ، ضمن تجدید روحیه و باور ملی، موقعیت خود را با بزرگ‌نمایی توفیقات حاصله در خصوص قره‌باغ تثبیت نماید و زمینه را برای اقدامات بعدی در خصوص تغییر رئیس کشور و انتقال قدرت به فرد مورد نظر فراهم آورد. از این رو علی اف در موقعیت شکننده‌ای نسبت به همتای ارمنی خود قرار دارد و در واقع ناخواسته سرنوشت سیاسی خود را به موضوع قره‌باغ گره زده است.

۶. انتقال قدرت به الهام علی اف و جانداختن موضوع حکومت موروثی در آذربایجان از دیگر چالش‌های فراروی علی اف و مقامات آذربایجان خواهد بود. «آمریکا هنوز موضوع جانشینی الهام را نپذیرفته است و وی را برای این کار جوان می‌داند، روسیه نظر متفاوتی نسبت به آمریکا دارد و طرفهای اروپایی با توجه به ابعاد منفی و غیردموکراتیک این موضوع با آن مخالفند»<sup>(۱۳)</sup> اما همه این بازیگران در یک نقطه با هم مشترک و در یک خصوص هم‌نظر می‌باشند و آن این‌که «در صورت خروج علی اف از حاکمیت سیاسی آذربایجان، موضوع روند حل مناقشه به شدت تحت تأثیر ملاحظات و رفتارهای رادیکالی در این کشور قرار خواهد گرفت»<sup>(۱۴)</sup> و نتیجه منطقی این روند، بروز جنگ در منطقه می‌باشد که رسیدن این وضعیت به وضعیت کنونی نیازمند صرف زمانی غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود.



## ارمنستان

۱. هرچند ارامنه تاکنون در مذاکرات صورت گرفته، دست بالا را داشته توانسته‌اند با استفاده از واکنش‌ها و مواضع ناپخته آذربایجان، تأکید بر اصول کی‌وست و پاریس<sup>(۱۵)</sup>، آذربایجان را در موضعی توافقی و بعضاً منفعلانه قرار دهند، اما مقامات ارمنستان همواره تحت فشار آمریکا و نهادهای اروپایی قرار داشته و این موضوع را کراراً در ملاقات‌ها و مواضع خود اعلام نموده‌اند.

از این رو اولین چالش و فشار پیش روی ارمنستان، واکنش و درخواست بین‌المللی و البته تا حدود زیادی از نوع غربی است که در دوران جدید حادث شده در نظام بین‌الملل ایجاد گردیده است. با ادامه این فشارها این احتمال نزد سیاسیون ارمنی به تدریج در حال قوت گرفتن است که زمان برای معامله ارامنه با طرف‌های غربی و روسیه - که البته می‌تواند کاملاً اقتصادی و امنیتی باشد - به سرآمده است و ارامنه از این به بعد در موضع معامله قرار ندارند بلکه باید نقش مجری را ایفا نمایند.<sup>(۱۶)</sup>

۲. مقامات ارمنستان - نه به شدت مقامات آذربایجان - طی چند سال گذشته نگران مواضع روسیه و نوع مدیریت این کشور در گروه مینسک بوده‌اند. این نگرانی بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر به تدریج قوت گرفت و هم اکنون که آمریکا توانسته است با عقب راندن و بی‌توجهی به مواضع کشورهایی مانند روسیه، به انجام اقدامات یک جانبه در عراق دست بزند، این نگرانی بیشتر شده است و این سؤال را ایجاد نموده که چه تضمینی وجود دارد که روسیه در خصوص ارمنستان با آمریکا و غرب وارد معامله نشود و در نتیجه سرنوشت قره‌باغ به گونه دیگری غیر از آنچه ارامنه در نظر دارند رقم نخورد؟

۳. ارمنستان به شدت درگیر مشکلات اقتصادی است و هرچند توانسته است طی چند سال اخیر با توجه به برنامه کمک‌ها و همچنین سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته توسط کشورهای دیگر، به وضعیت داخلی خود از نظر اقتصادی سروسامانی بدهد، اما این اقدامات نمی‌تواند

تضمین مناسبی برای وضعیت کلان اقتصادی ارمنستان باشد و بروز هرگونه شک ناشی از جنگ یا تحریم‌های اقتصادی می‌تواند سرنوشت حاکمیت را در درون ارمنستان - حداقل از نظر ساختاری - با مشکل روبرو سازد. علاوه بر این موضوع ساماندهی و تقویت توان اقتصادی از آن جهت برای ارمنستان مهم ارزیابی می‌شود که در طول سالهای گذشته ارمنستان بخش قابل ملاحظه‌ای از نیازهای اقتصادی قره‌باغ را تأمین نموده است و این موضوع از نظر افکار عمومی داخلی در ارمنستان با بازتاب منفی روبرو گردیده است و ادامه این روند می‌تواند دولت را در جلب حمایت مردم از قره‌باغ در صورت بروز هرگونه واقعه احتمالی با مشکل روبه‌رو سازد. این رویه باعث گردیده که ارمنستان در طول دو سال گذشته بودجه اختصاص یافته برای قره‌باغ را تا حدود قابل توجهی تعدیل نماید.<sup>(۱۷)</sup>

۴. ارمنستان در سالهای گذشته از بحران قره‌باغ، رفتارهای متفاوتی را در خصوص این منطقه و جمهوری خودمختار در پیش گرفته که بخش اعظمی از آن ناشی از ملاحظات سیاسی داخلی و منطقه‌ای بوده است. در فاصله سالهای ۹۰ تا ۹۸ رابطه ارمنستان با قره‌باغ رابطه‌ای عمودی با محوریت و اولویت قره‌باغ بوده است. در این سالها قره‌باغ سکوی پرش محسوب می‌گردیده و علاوه بر این، قره‌باغ بوده که برای ارمنستان تصمیم می‌گرفته است. در سال ۹۸ تلاشهایی برای تغییر این مسیر همکاری از جانب ایروان صورت پذیرفت.<sup>(۱۸)</sup> که با توفیق چندانی روبرو نگردید، از سال ۲۰۰۰ به بعد ایروان و قره‌باغ به این نتیجه رسیدند که از نظر موضعگیری سیاسی به دنبال تحقق این روند باشند که قره‌باغ به عنوان یک واحد سیاسی معرفی شود و این موضوع از طریق مشارکت قره‌باغ در مذاکرات محقق می‌شد. در کنار این، قره‌باغی‌ها نیز اقدامات گوناگونی مانند سفر به برخی کشورهای اروپایی و آمریکا را در دستور کار قرار دادند تا بدین وسیله برای خود مشروعیت بین‌المللی کسب نمایند.<sup>(۱۹)</sup> چگونگی تنظیم مناسبات بین ایروان - قره‌باغ به گونه‌ای که این جمهوری در مذاکرات شرکت نماید و مسئولیت عواقب هرگونه توافق احتمالی را به عهده بگیرد اما بهره اصلی از این واقعه از نظر سیاسی نصیب ارمنستان شود،

مشکل دیگر مقامات ارمنستان خواهد بود. به همین دلیل مقامات ارمنستان ضمن تأکید بر اصول پاریس وکی‌وست، به این نکته نیز اشاره داشته‌اند که «با سازش متقابل در روندها موافق می‌باشند» (۲۰).

۵. چالش دیگر فراروی مقامات ارمنستان موضوع افکار عمومی و مخالفت احزاب و گروه‌های سیاسی ارمنی است که با انجام انتخابات اخیر ریاست جمهوری در این کشور به شدت از حاکمیت رنجیده شده و می‌توانند از توان بسیج افکار عمومی نیز بهره ببرند. (۲۱) کوچاریان موفق شد با اتخاذ موضعی رادیکال در خصوص قره‌باغ آن هم در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، تا حدود زیادی مخالفین خود که سعی داشتند از این موضوع بهره‌برداری نمایند را به حاشیه رانده و ساکت نماید، اما این در شرایطی بود که قبلاً طرفین مناقشه توافق نموده بودند روند مذاکرات تا بعد از انتخابات پیگیری نشود. اکنون کوچاریان با این چالش اساسی روبرو است که چگونه هرگونه توافق احتمالی را از نظر سیاسی به پذیرش احزاب تندروی ارمنی و افکار عمومی برساند.

۶. از ابتدای انجام مذاکرات مربوط به قره‌باغ تاکنون، همواره مقامات ارمنی و آذربایجانی بر این موضوع تأکید نموده‌اند که فقط رؤسای جمهوری دو کشور از محتوای مذاکرات و گفتگوهای مستقیم مطلع می‌باشند و طرفین توافق نموده‌اند که در این رابطه بدون هماهنگی و توافق قبلی اطلاع‌رسانی صورت نپذیرد.

این موضوع برای احزاب سیاسی و مقامات تأثیرگذار و ... در عین سؤال برانگیز بودن، تا حدودی نیز گران آمده و برخی از احزاب تندرو مانند دانشناک در ارمنستان صراحتاً و عملاً نشان داده‌اند که حاضر نیستند از مقاماتی حمایت کنند که ممکن است در مذاکرات ناگفته خویش معامله و یا توافقی مغایر با اهداف و برنامه‌های آرمانی ارامنه صورت داده به عمل آورده باشند. این رفتار در صورت تشدید باعث سست شدن تکیه‌گاه‌های مقامات کنونی ارمنستان به‌ویژه کوچاریان در مقابل مخالفین داخلی خود خواهد شد.

۷. نتیجه منطقه و سیاسی موارد ذکر شده قبلی، باعث خواهد شد تا ارمنستان با توجه به جو کنونی، قادر به انجام توافقی خاص نباشد و در نتیجه موضعی را اتخاذ کند که بیشتر استفاده داخلی و جذب حمایت منطقه‌ای داشته باشد که در این صورت عملاً روند مذاکرات را با بن‌بستی جدید روبرو خواهد ساخت. این موضوع مورد توجه نمایندگان گروه مینسک نیز قرار گرفته و از همین رو آنها مایل نیستند با اعمال فشار، زمینه‌های عکس‌العمل و یا اقدامی نسنجیده و غیر معمول از جانب این کشور را فراهم آورند. تفاوت در نگاه‌های آرمانی و واقعیت‌ها مانع دیگر ایروان در دوره جدید خواهد بود.

### روسیه

۱. روس‌ها همواره حق برهم زدن بازی را برای خود محفوظ نگه داشته‌اند. روسیه با توجه به نوع همکاری‌ها و مراودات خود با کشورهای قفقاز جنوبی به‌ویژه ارمنستان و آذربایجان به عنوان طرف‌های اصلی درگیر در قره‌باغ، از توان و قابلیت برهم زدن توافقات احتمالی برخوردار بوده است. از همین طریق و شیوه بوده که روسیه بعد از دست به دست شدن مدیریت بحران قره‌باغ توسط آمریکا و فرانسه (اجلاس کی وست - اجلاس پاریس) مدیریت بحران را در اختیار خود گرفته‌اند و به رغم فعالیتهای قابل توجه نهادهای اروپایی و غربی، به عنوان سخنگوی مدیریت بحران وارد منطقه شده‌اند. (۲۲)

۲. روسیه به همراه فرانسه در گروه مینسک موضوع مشارکت قره‌باغ در مذاکرات و ضرورت در نظر گرفتن مواضع این جمهوری خود خوانده را مطرح نمودند. (۲۳) هرچند این دو کشور دارای اهداف متفاوتی در این زمینه بودند اما نتیجه این نوع موضع‌گیری در ابتدا به بن‌بست مذاکرات منجر گردید و در ادامه باعث شد تا ارمنستان بتواند از این موضع استفاده نموده و آن را در دیدگاه‌های خود بگنجانند.

۳. روسیه در حال حاضر مایل نیست به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار منفی در این روند خود را معرفی نماید، در عین حالی که به این نکته واقف است که سایر حاضرین در این گروه و

همچنین برخی از کشورهای منطقه موضوع عدم تمایل روسیه به حل بحران را به عنوان یک اصل همواره در نظر دارند. اکنون روسیه با این چالش روبرو است که شدت گرفتن اقدامات توسعه‌طلبانه آمریکا در منطقه به چه میزان سهم تأثیرگذاری روسیه در روند حل این بحران را با خطر روبرو می‌سازد؟ هزینه‌ای که روسیه برای جلوگیری از تحقق این روند باید پرداخت نماید در دو کشور آذربایجان و ارمنستان با توجه به نوع مناسبات این کشورها با روسیه متفاوت خواهد بود. این موضوع باعث گردیده است تا روس‌ها به رغم این که ادعا می‌کنند «دارای عوامل تأثیرگذار متفاوتی در منطقه هستند که با حل قره‌باغ نیز کماکان حفظ خواهند شد» (۲۴) به شدت نگران همکاری‌های اقتصادی و امنیتی سایرین با کشورهای آذربایجان و ارمنستان باشند. اظهارات افرادی مانند کالیوژنی مبنی بر لزوم خودداری کشورهای منطقه از کمک‌های اقتصادی به طرفین مناقشه قره‌باغ و تأکید بر این نکته که «تحقق پروژه‌هایی مانند خط انتقال گاز به ارمنستان که باعث تقویت یکی از طرفین درگیر در این بحران خواهد شد» (۲۵) در همین زمینه قابل توجه و ارزیابی می‌باشد.

۴. مواضع روسیه در خصوص منطقه و بحران قره‌باغ همواره با مواضع طرف‌های اروپایی در یک راستا و تا حدود زیادی - در مقایسه با آمریکا - نزدیک بوده است، این موضوع با توجه به نارضایتی اروپا از آمریکا در خصوص عراق تا حدودی نیز تقویت و تشدید شده است. همین امر باعث خواهد شد تا در خصوص بحران قره‌باغ نزدیکی مواضع روسیه و اروپا به یکدیگر، اقدامات و راهکارهای پیشنهادی آمریکا را نیز تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار دهد. برای روسیه با توجه به شرایط کنونی تعریف شده، این امکان ایجاد خواهد شد تا ما به‌ازاء‌های مورد نظر را دریافت و با حداقل تعریف نماید. به نظر می‌رسد در دوران کنونی، روسیه کماکان مایل به حفظ مدیریت بحران و در اختیار گرفتن عنصر زمان با توجه به دلمشغولی آمریکا در عراق و با هدف زیاد نمودن هزینه‌های احتمالی برای آمریکا می‌باشد.

## آمریکا

۱. آمریکا در حال حاضر به شدت نگران آینده سیاسی و جسمانی علی اف می باشد. در این خصوص شاید بتوان گفت که آمریکا با روسیه دارای نگرانی مشترک می باشند. آمریکا مایل نیست برنامه های اقتصادی در نظر گرفته شده برای انتقال انرژی از منطقه قفقاز و دریای خزر به سمت غرب، با تغییرات حکومتی در آذربایجان دستخوش تغییرات منفی گردد. حفظ دامنه نفوذ آن هم در عرصه اقتصادی در آذربایجان برای آمریکا مهمترین اولویت در این کشور خواهد بود. بنابراین آمریکا تلاش می کند نشان دهد - و یا حداقل این نکته را القاء نماید - که برنامه های اقتصادی آمریکا در آذربایجان به ویژه در خصوص انرژی بدون در نظر گرفتن موقعیت علی اف نیز ادامه خواهد یافت. (۲۶)

۲. آمریکا در انتخابات اخیر ارمنستان با توجه به نفوذ بازیگرانی مانند جمهوری اسلامی ایران، روسیه، از قافله به نوعی عقب مانده است و چهره مطلوبی از خود (حداقل در افکار عمومی و احزاب) به جای نگذاشته است. این کشور کماکان در خصوص ارمنستان برنامه های اقتصادی و سپس امنیتی را دنبال می نماید. برای آمریکا تغییر واقعی دیدگاه مقامات ارمنستان نسبت به ایران و سپس روسیه مهمترین دغدغه خواهد بود.

۳. آمریکا در گرجستان به شدت موقعیت خود را تثبیت نموده است، در آذربایجان نیز موقعیت این کشور در وضعیت مطلوبی قرار دارد و همراهی آذربایجان با آمریکا در خصوص عراق نشان داد که شرایط فعالیت آمریکا در این کشور روبه توسعه است. آمریکا برای تثبیت قطعی شرایط و موقعیت خویش در این منطقه، همچنین برای جا انداختن موضوع برتری مطلق خویش، نیازمند به حل موضوع و اتخاذ چیدمان مناسب در خصوص کشورهای ارمنستان و آذربایجان از طریق حل بحران قره باغ می باشد. این موضوع جزو برنامه های راهبردی آمریکا در منطقه می باشد و آمریکا از ابتدا به دنبال تحقق این امر بوده است. از نظر آمریکا تحقق برنامه های مربوط به انرژی به ویژه منوط به حل بحران قره باغ خواهند بود.

## یادداشت‌ها

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۲/۲/۱۳.
۲. خبرگزاری ادمن نیوز، ۸۲/۲/۸.
۳. خبرگزاری مدیا ماکس، (باکو) ۸۲/۲/۱۲.
۴. انمکاس اظهارات ولایت قلی‌اف در خبرگزاری مدیا ماکس، (باکو) ۸۲/۲/۲۲.
۵. اظهارات ویگن خاچاطوریان نماینده ارمنستان در ناتو، ایروان، آذر ۱۳۸۱.
۶. اظهارات وارطان اسکاتیان وزیر امور خارجه ارمنستان در جریان سمینار حزب رامکار و آزادگان ارمنستان، ایروان ۸/۸/۸۱.
۷. روزنامه یوگیو، شماره ۱۲۶۸، ۸۰/۱۰/۱۰، مصاحبه با نکاجوف، مسئول بخش سیاسی سفارت روسیه در ارمنستان.
۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، موضعگیری سفیر ارمنستان در آذربایجان، ۸۲/۲/۴، «به رغم تأکیدات آمریکا برای بهبود مناسبات با ارمنستان، سیاست دولت آنکارا در این زمینه دستخوش تغییر نگردیده است».
۹. روزنامه توکیش دپلی نیوز، ۸۲/۲/۱۶، مصاحبه با سلیمان دمیرل رئیس جمهور پیشین ترکیه.
۱۰. اظهارات کوزیمیروف اولین نماینده روسیه در گروه مینسک در ملاقات با سفیر جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان، اردیبهشت ۱۳۸۱.
۱۱. روزنامه هایستانی هانراپوتیون، بهمن ۱۳۸۰، مصاحبه با تاتول مارکاریان نماینده ویژه ارمنستان در مذاکرات قره‌باغ.
۱۲. هوگ پرنه نماینده سابق فرانسوی گروه مینسک، ۸۱/۷/۲۹.
۱۳. کوزیمیروف اولین نماینده روسیه در گروه مینسک، در ملاقات با خبرنگاران ارمنی، ایروان، ۸۱/۲/۱۵.
۱۴. همان منبع.
۱۵. اظهارات اسکاتیان در سمینار سراسری حزب رامکار و آزادگان: قره‌باغ هیچ‌گاه در ترکیب آذربایجان نبوده است و مذاکرات مربوطه باید بر مبنای اصول کی‌وست و پاریس دنبال شود.

۱۶. اظهارات نماینده قره‌باغ در ارمنستان، ۸۱/۸/۱ در حاشیه اجلاس سراسری سفرای ارمنستان: گروه مینسک به دنبال حل قضیه نیست، ولی حتی اقدامات ظاهری آنها باید مورد توجه قرار گیرد چرا که می‌تواند برای امنیت ما خطرناک باشد.
۱۷. ر.ک. به: گزارش سالیانه وزارت درآمدهای دولتی ارمنستان، ژانویه ۲۰۰۰.
۱۸. با روی کار آمدن واژگن سرکیسیان به عنوان نخست‌وزیر در ارمنستان این موضوع از شدت بیشتری برخوردار گردید. نامبرده در یکی از جلسات خود با نمایندگان خارجی اعلام نمود که: انتظار داریم مناسبات با قره‌باغ به صورت شفاف و تحت نظارت دولت ارمنستان انجام شود.
۱۹. سفر دوره‌ای غوکاسیان رئیس جمهوری خودخوانده قره‌باغ به آمریکا و فرانسه، ۸۱/۹/۵.
۲۰. اظهارات اسکانیان در جریان نشست حزب رامکاراژادکان ارمنستان - ایروان، ۸۱/۸/۸.
۲۱. در جریان برگزاری انتخابات اخیر ریاست جمهوری در ارمنستان، برخی از احزاب مخالف موفق شدند جمعیتی بالغ بر ۳۰ هزار نفر را در اعتراض به حاکمیت به خیابانها بکشانند.
۲۲. در جریان اولین سفر رؤسای مشترک گروه مینسک به ارمنستان بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر، نمایندگان آمریکا و فرانسه در جمع خبرنگاران به صراحت بر این موضوع تأکید نمودند.
۲۳. شبکه یک تلویزیون دولتی ارمنستان، ۸۰/۹/۱۰، مصاحبه نمایندگان گروه مینسک با رسانه‌های جمعی ارمنستان.
۲۴. خبرگزاری آژگ، ۸۰/۱۱/۲۵، مصاحبه سفیر روسیه در ارمنستان.
۲۵. خبرگزاری تاس، ۸۲/۲/۲۵.
۲۶. شبکه خبری بی.بی.سی، ۸۲/۲/۱۲، بررسی تحولات منطقه قفقاز، مصاحبه با آقای بات رئیس اداره شرق وزارت امورخارجه انگلیس.